



ایستادخانه
علیرضا کمیلی

وقایع ایران

ملاقات فریسی
مردمان اشانی



شماره هفتم
اسفندماه ۱۳۸۶

۱۰۳

فرهنگی
اجتماعی
سیاسی



واقعیت این است

آن راننده کرد زبان شافعی مذهب وقتی فهمید از مشهد آمده ایم، بغض گلوبش را گرفت و گفت: «خیلی وقت است که قصد زیارت کرده ام اما مشکل دارم. دعا کنید مشکلم حل شود. باور کنید تا حالا سه بار ایشان را در خواب دیده ام و مرا دعوت کرده اند...» آری! اهل سنت ایران و البته بسیاری از مناطق دیگر، ارادت بسیاری به اهل بیت پیامبر(ص) دارند و این شناخت، واقعیتی است که باید به عنوان بخشی مهم در بررسی فعالیت‌های وهابیت و تأثیرات آنان بر اهل سنت مورد توجه قرار گیرد. به نمونه‌های دیگر توجه کنید.

به یاد دارم در همان سفر به مناطق کردنشین غرب کشور، وقتی با طلاب جوان کرد که شبهات وهابیت به ذهن شان راه یافته بود، گفتگویی صمیمی داشتیم، در تذکری جدی به دوستی گفتند: «به خاطر این که مهمان ما هستیید تا حالا چیزی نگفتیم ولی چرا مدام می‌گویید ائمه ما و ائمه شما؟!»

مگر اهل بیت پیامبر فقط ائمه شما نیستند؟! و آن‌گاه که برخی فعالان سیاسی سنجید که در انتقاد از نظام چنان پیش می‌روند که اگر نابردبار باشی، فوراً ضد انقلاب‌شان خواهی خواند را در مشهد و حرم دیدم، بار دیگر این مسأله در ذهنم نقش بست که چرا برای «شناخت واقعی» اهل سنت به شنیده‌های ناقص و نادرست اکتفا کرده ایم؟! آن مولوی سیستانی نیز نام فرزندش را اسدالله گذارده بود و می‌گفت: «به یاد علی بن ابی طالب که پیامبر این لقب را به او دادند، نام پسر من را اسدالله گذاشتم.» دوستی که برای تبلیغ به مناطق ترکمن‌نشین شمال ایران می‌رفت، می‌گفت: «تعداد قربانی‌های اهل سنت در ظهر عاشورا از نذری‌های مسجد شیعیان هم بیشتر بود.» راستی چگونه می‌توان کسانی را که این چنین فرهنگ زیارت و توسل در خون و پوستشان وجود دارد، به همین آسانی با عقاید افراطی و مقابل این رفتارها جمع کرد؟! خوب است بدانیم علاوه بر زیارت قبور اهل بیت پیامبر(ص)، قبه و بارگاه‌های بسیاری از مشایخ و عرفای

در همان سفر به مناطق کردنشین غرب کشور، وقتی با طلاب جوان کرد که شبهات وهابیت به ذهن شان راه یافته بود، گفتگویی صمیمی داشتیم، در تذکری جدی به دوستی گفتند: «به خاطر این که مهمان ما هستیید تا حالا چیزی نگفتیم ولی چرا مدام می‌گویید ائمه ما و ائمه شما؟! مگر اهل بیت پیامبر فقط ائمه شما نیستند؟!»

اهل سنت نیز در گوشه و کنار ایران وجود دارند که مورد توجه و زیارت اهل سنت قرار دارند.

حال سؤال این جاست که در این بستر چگونه وهابیت به تبلیغ و گسترش خود می‌پردازد و در مقابل آن چه باید کرد؟

زمینه‌های جذب!

چنان‌که دیدیم، فرهنگ دینی اهل سنت در ایران زمینه مناسبی برای اقدام وهابیت نیست و همچنین قرابت فقهی بسیار میان تشیع و تسنن، خود عامل اختلاف زدا بوده است؛ چرا که مردم «دغدغه زندگی» دارند و در نتیجه، فقه محورند و اختلاف‌های موجود عمدتاً جنبه کلامی دارند که دغدغه خواص اند و نه عموم مردم. شاید بر همین مبناست که شیعه و سنی در ایران، سال‌ها کنار هم زیسته اند، با هم ازدواج کرده و در غم و شادی‌های یکدیگر شریک بوده‌اند؛ پس زمینه‌های طبیعی اختلاف انگیزی مذهبی در سطح عمومی بسیار کم است، ولی متأسفانه زمینه‌های دیگری برای نفوذ وهابیت وجود دارد.

الف) فقر و تبعیض

تجربه نشان داده است که مشکلات مالی در برخی مناطق سنی‌نشین - و حتی شیعه‌نشین - کشور، وهابی‌های پولدار را با توفیقاتی روبه‌رو ساخته و از طرفی برخی کج سلیقه‌های فردی اعمال شده و تبعیض‌ها میان سنی و شیعه - برای نمونه در واگذاری مسؤلیت‌ها - به نارضایتی‌ها دامن زده و زمینه گرایش به وهابی‌ها را - نه از باب علاقه که از باب اعتراض به وضع موجود - فراهم کرده است!

ب) ضعف ایمان نسل جدید

آموزه‌های وهابیت از منظر غیب‌زدایی و نفسی عوامل متافیزیکی، همگرایی جدی‌ای با فرهنگ الحادی غرب دارد و از همین منظر تأثیرپذیرفتگان از فرهنگ مدرنیته و رسانه‌های غربی - به ویژه در نسل جوان - بستر جذب به وهابیت را نیز یافته‌اند و شاید تبلیغ وهابی‌ها در

میان جوانان - حتی شیعه - بخصوص از طریق اینترنت و دانشگاه‌ها را در همین راستا بتوان توضیح داد.

ج) ناآگاهی دینداران

نادانی، همواره بزرگ‌ترین دستاویز انحرافات در همه جریان‌های مذهبی بوده و توانسته است در میان دین‌باوران ناآگاهی که با بدنه علما و نخبگان دین کم‌تر ارتباط داشته‌اند، اثر بگذارد و با تحریک احساسات مذهبی آن‌ها، طرفدارانی را بیابد. افراطی‌های پاکستان و گروه ریگی که جوانانی خام و سطحی با دغدغه دینی‌اند، نمونه خوبی برای این مسأله به شمار می‌آید.

د) برخورد های افراطی

یکی از عواملی که وهابیت به وسیله آن توانسته اهل سنت را از شیعیان دور و به خود جذب کند، حرکت‌های افراطی برخی ناآگاهان در ایجاد تفرقه است. گرچه بنا بر تأکید رهبر معظم انقلاب هر عملی که مایه ایجاد اختلاف شود، حرام است اما برخی مراسم و کارها - که با مبانی شیعه نیز سازگاری ندارند - به عمد توسط برخی جریان‌های مشابه انجمن حجتیه رواج یافته‌اند!

چه باید کرد؟

در مقابل تلاش‌های گسترده فرقه وهابیت باید فعالیت‌هایی را در سطوح مختلف سامان داد، موارد ذیل با توجه به آسیب‌های مذکور، قابل پیشنهاد است؛

الف) ظرافت نقد وهابیت

هر وهابی سنی است - به حسب ادعا - ولی هر سنی وهابی نیست؛ بنابراین، نقد وهابیت که مبانی مشترکی با اهل سنت دارد، باید توسط افرادی روشن‌بین و فقط با تأکید بر موارد اختلافی - نه موارد مشترک - صورت پذیرد، تا باعث تقابل اهل سنت و یا وحدت ایشان در مقابل منتقدان نشود. نکته دیگر این‌که وهابیت می‌کوشد خود را نماینده جهان اهل سنت قلمداد کند؛ به همین سبب باید مدام بر این مسأله تأکید شود که اهل سنت، وهابی

**آن مولوی سیستانی
نیز نام فرزندش را
اسدالله گذارده بود
و می‌گفت: «به یاد
علی بن ابی‌طالب که
پیامبر این لقب را به
او دادند، نام پسرم را
اسدالله گذاشتم.»**

نیستند و با ظرافت کافی میان این دو تفاوت قائل شد.

ب) انتخاب حقیقی رویه وحدت

به رغم اقدام‌های گسترده غرب و وهابیت برای شیعی معرفتی کردن انقلاب اسلامی، یکی از دلایل گسترش انقلاب در میان مسلمانان را باید اندیشه وحدت‌گرایانه حضرت امام (ره) دانست. یک سنی اندونزیایی‌الاصل مقیم انگلستان به من می‌گفت: «امام (ره) پیش ما جایگاه بلندی دارند؛ زیرا به ما یاد دادند جنگ اصلی میان مسلمانان و دشمنان اسلام است و اختلاف شیعه و سنی نادرست است.» هم او از ظهور مهدی (عج) با من سخن گفت و از اقدامات گسترده‌ای که در انگلستان علیه حمله آمریکا به ایران انجام می‌دهند.

بنابر این، اگر «اندیشه وحدت» در حد شعاری سیاسی و تاکتیکی مقطعی در میان ما باشد، خود را در سایر رفتارها و اقدامات نشان خواهد داد و نتیجه طبیعی آن نرسیدن به این ضرورت حیاتی اسلام خواهد بود؛ اما فتاوی‌ای امام و رهبری در این باره از باوری عمیق به

**مشکلات مالی در برخی
مناطق سنی‌نشین
- و حتی شیعه‌نشین -
کشور، وهابی‌های پولدار
را با توفیقاتی روبه‌رو
ساخته و از طرفی برخی
کج‌سلیقگی‌های فردی
زمینه‌گرایش به وهابی‌ها
را فراهم کرده است!**

این مسأله نشان دارد که ما نیز گاه از شنیدن‌شان تعجب می‌کنیم!

لوازم محوریت یافتن چنین تفکری، جلوگیری از بسیاری اقدامات رایج و آگاه‌سازی شیعیان از این ضرورت اساسی است و نمی‌توان از جوانی که مدام، سخنانی را علیه برادران مسلمان خود می‌شنود انتظار داشت تا در حج و مدرسه و کشورش، ادبیات و رفتارهایی اختلاف‌انگیز نداشته باشد و در مقابل افراطی‌ها نیز موضع بگیرد.

ج) تهاجم به اندیشه وهابیت

در برابر وهابی‌ها، باید از موضع انفعالی به موضع تهاجمی تغییر جهت داد؛ چراکه رفتارها و اندیشه‌های آنان سرشار از نکات سؤال‌برانگیز است. بی‌گمان اگر مسلمانان از خطری که اندیشه وهابیت برای مرقد مطهر پیامبر (ص) دارد، آگاه شوند، سیف بودن و خطر تفکر آن‌ها را بیش از پیش احساس خواهند کرد.

آیا نمی‌توان اقدامات تروریستی مبتنی بر اندیشه وهابیت علیه انسان‌های مسلمان و قبور اهل بیت پیامبر (ص) و نیز اعطای جواز قتل مسلمانان را زیر سؤال برد؟ بهتر است در قبال این افراطیون، مانند رهبر معظم انقلاب موضع گرفت که فرمودند مرتکب شدگان این انفجارها نه سنی‌اند و نه شیعه، تا بیگانه بودن این تندروی‌ها با روح اسلام روشن شود.

افزون بر این‌ها، ادبیات نقد وهابیت باید بر آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر گرامی (ص) و به عبارتی منابع مشترک مسلمانان مبتنی باشد؛ همچنین می‌توان علمای اهل سنت را برای مقابله با این افکار افراطی بسیج کرد تا اثر بیش‌تری داشته باشد.

